

بعد از طرح مسئله سنگسار، دوستان عزیز از گوشه و کنار عالم با فرستادن نامها و امضاء های خودشان در یک فعالیت هماهنگ و بسیار بزرگی شرکت کردند برای متوقف کردن این قانون عصر حجری سنگسار که هیچ ارتباطی به قرآن مجید و هیچ ارتباطی به اسلام ندارد و مخالف سنت انبیاء و اولیاء است، در این رابطه بعضی سئوالات هم مطرح شده است یکی از سئوالات راجع به آیه شریفه قرآن بود که من در ابتدای سنگسار شماره یک بیان کرده بودم

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا

و هرگاه یک نفر، مرتکب قتل (فقط یک شخص دیگر) شود بی آنکه ما به ازای نفسی باشد

و یا به قصد فساد در زمین (کسی را) بکشد

مانند آن است که مرتکب جنایتی علیه تمامیت بشریت شده است.

« قرآن مجید آیه ۳۲ سوره مائده (سوره ۵) »

و دنباله آیه شریفه سوره مائده که راجع به احیای نفس است

وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَ تَهُمُ رَسُولُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (۳۲) سوره مائده

مانند این است که تمامی بشریت را احیا کرده است اگر یک نفر، یک نفر را بدون سبب یا به قصد فساد در روی زمین به قتل برساند این مانند جنایت علیه تمامیت بشریت است و این حکمی است که در قرآن مجید بیان شده است و دایر بر این است که بعد از ماجرای هابیل و قابیل از آن تاریخ می فرماید یعنی در ابتدای آفرینش، ببینید عزیزان بنده عرض کردم که داستان سنگسار برمی گردد به عصر حجر، در قرآن مجید بعد از بیان آفرینش آدم و کیفیت درست شدن آدم و رفتن آدم به بهشت به همراه زوجه اش و اغوای شیطان و خارج شدن از بهشت و استقرار بر روی زمین و آموختن کلماتی توسط آدم، یعنی آدم یک کلماتی را فرا گرفت **فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۳۷) سوره بقره** یعنی به آدم یک کلماتی از جانب پروردگارش القاء شد که با کاربرد آنها دوباره در بهشت بر روی او باز شد و به جانب بهشت بازگشت این مطالبی است که در مورد آدم و چگونگی حضورش در روی زمین بیان شده است و بعد از آن می رسمیم به حکایت فرزندان آدم در قرآن مجید که داستان هابیل و قابیل است که من در درسهای پیشین همه را بیان کرده ام و تکرارش ضرورتی ندارد در ماجرای آفرینش حال در قرآن مجید می فرماید بعد از این اتفاقی که میان هابیل و قابیل پیش آمد کرد و یکی از این دو برادر دیگری را از پای در آورد و مفصل این واقعه در متون بیبلیک که در متون تورات که چند هزار سال پیش گفته شده و بعد تعلیم داده شده و (نگاشته شده است) بعد در دوران داوود نبی و سلیمان نبی علیهم السلام بصورت مکتوب در آمده است یعنی قرنهای دراز پیش از ظهور قرآن مجید بصورت مکتوب وجود داشته است و در قرآن مجید هم به آن اشاره شده است یعنی جبرئیل امین از جانب خداوند مأمور بوده است که بیاید و آن مطالبی را که در کتب آسمانی بیان شده بوده است چنان که بیان شده بوده است دوباره به پیغمبر اکرم تعلیم دهد که ایشان اینها را برای مردم بیان بفرمایند آن چیزهایی را که جبرئیل از جانب خداوند مأمور ارسال بوده است و می آورده و تعلیم می داده است در واقع اینها مطالبی بوده است که اینها در کتابهای الهی موجود بوده و یا بعداً دچار تحریف شده بوده است و یا بعضاً دچار تحذیف شده بوده و یا بعضاً مخفی شده بوده و از چشمها پنهان بوده است اما بوده است یعنی قبلاً بوده و عده ای هم آنها را چنان که بوده آنها را در خاطر و در سینه های خودشان محفوظ داشته اند و وقتی پیغمبر اکرم آن مطالب را چنان که حقیقتاً بود به تلقین جبرئیل بیان می فرمودند آن کسانی که راسخ فی العلم بودند و این مطالب را می دانستند آنوقت تأیید می کردند که ایشان پیغمبر خداوند هستند و از جانب خودشان این مطالب را نمی گویند یعنی راجع به محتوای قرآن مجید داریم صحبت می کنیم حال در اینجا در این آیه شریفه می فرماید از آن زمان از آن لحظه می فرماید: **" كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ " سوره مائده ابتدای آیه ۳۲** ما این امر را نوشتیم یعنی حکم قرار دادیم، کدام امر را؟ کدام امر را که در پی چه اتفاقی افتاد؟ حکم قضایی است که صادر شد اما این حکم الهی و آسمانی در پی چه اتفاقی؟ در پی واقعه ای که در حقیقت میان هابیل و قابیل اتفاق افتاد، یعنی یکی از آن دو آن یکی را بدون دلیل و عملش یک عملی بود که سبب فساد در روی زمین می کرد می فرماید: "از آن تاریخ معین کردیم که اگر یک نفر، شخص دیگری را بدون دلیل نه به عنوان مجازات نه به عنوان هیچ دلیل خاصی بلکه به قصد هیچ دلیل خاصی از پا بیندازد مانند این است که همه مردم را از بین برده باشد"، پس ببینید به کدام زمان باز می گردد یعنی آدم که به روی زمین آمد بعد در میان فرزندان آن اختلاف بوجود آمد و یکی برای فساد دیگری را از پا در آورد از آن تاریخ می فرماید که معین کردیم که اگر یک نفر یک دانه از ابناء آدم توسط دیگری و بدون دلیل و به قصد فساد در روی زمین از پا در بیاید مثل این است که جنایت علیه تمام بشریت شده است یعنی تعبیری است برای جنایت علیه بشریت هست در مکاتب و ممالک مغرب زمین است اما تعبیری که در متون الهی از جنایت علیه بشریت شده است این است، که برای شما عرض کردم یعنی

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا

و هرگاه یک نفر، مرتکب قتل (فقط یک شخص دیگر) شود بی آنکه ما به ازای نفسی باشد

و یا به قصد فساد در زمین (کسی را) بکشد

مانند آن است که مرتکب جنایتی علیه تمامیت بشریت شده است.

« قرآن مجید آیه ۳۲ سوره مائده (سوره ۵) »

این است یعنی جنایت علیه تمام بشریت انجام داده است، این است، **قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا** یعنی جنایت علیه عموم مردم انجام داده است، اگر یک نفر را کشته باشد حال ارتباط این با سنگسار چیست؟

ببینید کسانی که آمده اند و گفته اند سنگسار عبارت از یک مجازات برای یک امر معین و آن امر معین چیست؟ یعنی سنگسار را گفته اند در یک مورد می شود بکار برد، آن یک مورد چیست که می توان در آن بکار برد؟ آن مورد را اینگونه بیان کرده اند که گفته اند: "زنانی محصنه" که آن باید سنگسار شود پس سنگسار بر حسب قانون جزا به این اعتباری که داریم با هم صحبت می کنیم مجازات محسوب می شود وقتی صحبت از مجازات می کنیم یعنی زمانی که جرم احراز شده است یعنی باید حتماً یک جرمی احراز شده باشد که حالا باید مجازات شود اما زنانی محصنه چگونه بتواند اثبات شود؟ بحث بر سر این است حضرت آیت الله منتظری بیان فرموده اند که با توجه به شرایطی که برای احراز جرم بیان شده است در کتب فقهی در واقع مجازات سنگسار یک مترسک است یعنی اصلاً قابلیت اجرا ندارد یعنی در واقع وقتی که شما شرایط احراز جرم را برای قاضی که باید حکم صادر کند می خوانید متوجه می شوید که امر را تعلیق به محال کرده است، یعنی جرمی است که قابل به اثبات نیست مگر اینکه خود شخص اعتراف کند فقط خود شخص، قائل به اعتراف خود شخص می تواند باشد اگر خود شخص اعتراف نکند قاضی به هیچ عنوان نمی تواند این جرم را احراز کند شما می توانید بروید در کتب فقهی مطالعه کنید و ببینید شرایط احراز جرم قابل مجازات بوسیله سنگسار تعلیق به محال است یعنی قابل اثبات نیست و قاضی نمی تواند بگوید من احراز کردم برای من ثابت شده است که این جرم اتفاق افتاده است و حالا باید مجازات شود چون نیاز به شهود عدل دارد یعنی کسی که عادل باشد در گفتارهای پیشین عرض شد که حضرت مسیح بن مریم بر حسب گزارشهای متون مسیحی بزرگواری کردند و این مجازات عصر حجر و عهد دقیانوسی را، بهتر است بگوئیم عصر حجر را در دوران حضور خودشان لغو فرمودند گفتند عدالت شرط عدالت لازم است یک شخصی (یک خانمی) را آوردند خدمت ایشان و گفتند ایشان یک جرمی مرتکب شده اند و ما باید او را سنگسار کنیم فرمودند کدام شما جرم نکرده اید شما بر چه اساسی دارید این حرف را می زنید آیا شما دارای ملکه عدالت هستید که این اتهام را به ایشان می زنید چه کسی می خواهد این شخص را سنگسار کند؟ کسی که خودش مرتکب هیچ گناهی نشده است بروید و به نفس خودتان رجوع کنید و ببینید چند گناه تا بحال مرتکب شده اید و ایشان به این ترتیب ملغی فرمودند و آن شخص را بخشیدند ضمن اینکه اگر جرمی اتفاق افتاده باشد در توبه باز است، برای اینکه مجرم توبه کند حال وقتی برای ما ثابت می شود که این جرم قابل احراز نیست پس مجازات آن سالیبه به انتفاع موضوع می شود حال ممکن است که در کتب فقهی با رجوع به روایات گفته باشند که سنگسار هست ولی حالا اجرا نمی شود چون قابل احراز نیست، اما خوب باشد، حضرت آیت الله العظمای صناعی فرموده اند که این هست، اما شرایطی در آن قرار داده اند که اصلاً قابلیت اجرا نداشته باشد حضرت آیت الله العظمای منتظری فرموده اند که اصلاً یک مترسکی بیش نیست یعنی برای ترساندن است که رعایت یک حدودی در جامعه شود اما خودش قابل اجرا نیست به این ترتیب فقهای عظام فرموده اند اما ما گفتیم که در ابتدای قانونگذاری که صورت گرفت بعد از انقلاب در ایران و قوانین فقهی را یعنی مجموع قوانین جزا را که در فقه وجود داشت اینها را به عنوان قوانین اسلامی وارد سیستم جزایی و *pénale* کشور ایران کردند در حقیقت برای عموم به این شکل تصور می شد که می گفتند "سنگسار و قصاص" و یا می گفتند "قصاص و سنگسار" که تصور شد در ذهن عموم که چون پایه قصاص مبتنی به برخی از آیات شریفه قرآن مجید بوده است و بعد در ادوار فقه این ابواب باز شده است و بعد استنتاج و استنباط در آن صورت پذیرفته است و بعد یک سیستم قانون گذاری بر مبنای آن آیات بوجود آمده است رجم را نیز عطف به سنگسار کرده اند و این شبهه در اذهان ایجاد شد که حکم رجم مسلمانان یا اصولاً شهروندان در یک جامعه توسط قرآن مجید دستور داده شده است به همین دلیل کسی طرف آن نرفت و به همین دلیل گفتند ما نمی خواهیم با قرآن در بیافتیم فوق آن این است که در قرآن است و حالا بیائیم و آنرا اجرا نکنیم بعد از سی سال بنده عرض کردم که

۱- در قرآن مجید رجم هست

۲- در قرآن مجید رجم به عنوان یک مجازات ضداسلامی، ضد توحیدی، به عنوان مجازاتی که ضد انبیاء الهی بکار می رفته است بعنوان مجازاتی که بر اساس آن موحدان و مؤمنان را به ضرب سنگ در گوردالی قرار می دادند و آنقدر سنگ به سرشان می زدند تا از پا بیفتند و عبرت مردم شود تا به راه توحید نزنند. به این ترتیب در قرآن ذکر شده است، پس در واقع نه فقط قرآن رجم را امضاء نکرده است به عنوان یک مجازات اسلامی و نمی تواند به عنوان یک مجازات اسلامی در مجموع قوانین اسلامی و فقه جایی داشته باشد بلکه به عنوان یک قانون مجازات ضداسلامی که وسیله سرکوب مترفین در دست مترفین این یک وسیله سرکوب بوده است مترفین یعنی اصحاب زر و زور و تزویر یعنی ستمگران حکومتگر این از این قانون مجازات وحشیانه عهد بربریت و جاهلیت و دوران عصر حجر برای ایجاد آرامش گورستانی در جامعه استفاده می کردند، قرآن آن را تقبیح کرده است پس اگر بگوئیم رجم در قرآن نیست غلط است اگر بگوئیم رجم به عنوان قانون مجازات اسلامی در قرآن است غلط است درست این است که رجم به عنوان یک قانون منسوخه مجازات ضداسلامی مورد سوء استفاده ستمگران و ظلمه تقبیح شده است و کنار گذاشته شده است این واقعتاً قضیه است از این لحظه به بعد ما دوستان و یاران و علاقه مندان به حقیقت اسلام به جنب و جوش در آمدند و این مطلب را به عرض آیات عظام رساندند و این تحلیل ها را خدمت ایشان عرض کردند نظر به اینکه در قرآن هست اما به عنوان مجازات ضداسلامی، نه اینکه ما در قرآن بگوئیم در قرآن نیست اما در روایات هست، که حالا به این بخش صحبت می پردازیم پس سنگسار جایی اصولاً در جامعه اسلامی نمی تواند داشته باشد.

و لغو سنگسار و القاء سنگسار پاسداشت حرمت قرآن مجید و پاسداشت حرمت اسلام و پاسداشت حرمت مأموریت انبیاء و اولیاء و پاسداشت مأموریت الهی است و راه توحید است این مطلبی بود که به عرض علماء رسانده شد حال ما در اینجا حداقل این اجماع را بدست آوردیم که همه علماء عظام بلااستثنا تأیید فرمودند که به عنوان قانون مجازات اسلامی رجم در قرآن مجید وجود ندارد این خیلی خیلی مهم است چون از این لحظه به بعد اگر ما به جنب و جوش در بیائیم و بگوئیم چون این در قرآن نیست اگر ما کنار بگذاریم قرآن را کنار نگذاشته ایم این بحث خیلی مهمی است این گام خیلی مهمی است که با گذشته فرق اساسی دارد از جانب دیگر می رسیم به بحث روایات

ببینید موقعی که ما به سنت نبوی رجوع می کنیم اگر در سنت پیغمبر اکرم رجم مورد قبول بود حداقل ایشان یک فرمایش راجع به رجم می فرمودند ما در احادیث صحیح و حسن ، احادیث قدسی و نبوی از جانب پیغمبر اکرم دستوری مربوط به رجم (سنگسار) در جامعه اسلامی به عنوان مجازات اسلامی نداریم.

اگر کسی بگوید داریم بیاید نشان دهد ما تمام کتب احادیث را جستجو کردیم و نیافتیم، اگر که کسی می گوید هست نشان دهد ما حاضر به گفتگو و مناظره هستیم پس نه فقط در قرآن مجید نیست در سنت انبیاء عظام هم نیست ، پس نیست.

حال می آیم به سراغ روایات ، روایات ، اصولاً بحث روایت و بحث درایت بحث خردگرایی و بحث علم و بحث تحولات اجتماعی و بحث تحولات قوانین ناظر بر روابط اجتماعی یک مقوله ایست که باید به گفتگو گذارده شود ، روایات حجیت ندارد آیات حجیت دارد و آیات قرآن مجید تقبیح می کند سنگسار را روایات نمی تواند خلاف آن باشد اگر باشد اعتبار ندارد یعنی خلا آیه در مورد رجم نیست ، رجم در قرآن بعنوان قانون مجازات ضداسلامی وجود دارد در نتیجه روایات نمی تواند یک مجازات ضداسلامی را تبدیل به یک مجازات اسلامی کند آن روایات ضعیف و سقیم هستند آن روایات را باید مورد بررسی قرار داد ، بعد روایات اولاً حجیت ندارد ثانیاً اجماع فریقین راجع به روایات نیست یعنی روایات سبب تفرقه و انشعاب بین امت مسلمان شده است غالباً اما آیات به این نحو نیست ، آیات حجیت دارد.

به همین دلیل یک نفر ممکن است مسلمان بسیار بسیار دقیق العمل و صحیح العمل و مؤمن و متقی باشد اما بسیاری از روایات را که یک فرقه ای قبول دارد قبول نداشته باشد و روایات دیگری را قبول داشته باشد بسیار بسیار زیادند مسلمانی که به تمام دستورات الهی و قرآنی عمل می کنند اما خیلی از روایات را قبول ندارند و کسی نمی تواند بگوید این شخص مسلمان نیست چون جزء شرایط احراز اسلام قبول روایات نیست، آن پنج اصلی که قبولش ضرورت دارد هیچیک احاله و ارجاع به قبول روایات نمی دهد با توجه به این مسئله ما می گوئیم ، توحید ، نبوت ، معاد ، عدل و امامت (به عنوان شیعه) و عامه می گوید توحید و نبوت و معاد ، روایات در این وسط کجاست؟

پس شما بر چه مبنایی ، یعنی ما بیائیم در ابتدا بحث راجع به جایگاه روایات بکنیم بعد از اینکه بحث راجع به جایگاه روایات کردیم بیائیم بحث راجع به صحت و سقم روایات بکنیم سپس بحث راجع به حجیت روایات بکنیم بعد که این کار را کردیم ببینیم آیا اصولاً حکمی از روایات می تواند استخراج شود که خلاف قرآن مجید باشد همه می گویند به اجماع که پاسخ خیر است.نه!

بعد آیا می شود حکمی از روایات ، یک روایتی را شما در نظر بگیرید که صحیح باشد که مسلماً منسوب به یکی از ائمه معصومین علیهم السلام اجمعین یا چهارده معصوم علیهم السلام و الصلوات اجمعین باشد اما اجرای آن در شرایط کنونی جهان سبب و هن اسلام شود، می شود اجرا شود؟ همه علماء اجماع دارند و می گویند: "نه!" و هن اسلام امکان پذیر نیست تمام این کارها برای اعتلاء اسلام صورت می پذیرد ، اگر یک عملی صورت بگیرد و سبب و هن اسلام شود اصلاً قابل قبول نیست پس نظر به اینکه:

۱- سنگسار در قرآن تقبیح و نفی و رد شده است و به عنوان سنت طاغوتی و دقیانوسی و سنت استکباری و سرکوبگری و ظلمه شناخته شده است سنگسار جایگاهی در قانون مجازات اسلامی نمی تواند داشته باشد.

۲- سنگسار در حدیث نبوی در حدیث قدسی در کلام پیغمبر اکرم (ص) که منبع دوم تعالیم اسلامی است هیچ جایی ندارد آن کسانی که می گویند باید جوابگو باشند یک نفر ممکن است جواب بدهد ، شما می گوئید در قرآن نیست ما می گوئیم در قرآن هست اما آن تصور می کند که در قرآن نیست ما می گوئیم در قرآن هست اما به این نحو استدلال می کند که در قرآن نیست که نیست ، (نباشد) ، در قرآن وضو نیست که هست در قرآن ، در قرآن اینکه نماز صبح چند رکعت باشد و نماز شب چند رکعت باشد نیست ما اینها را از روایات استخراج کردیم بنده در جواب عرض می کنم که حکم نماز در قرآن مجید هست دستور به وضو و غسل صورت و دست و پا در قرآن مجید هست اینکه کی نماز باید خوانده شود " قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ " سورة ق آیه ۳۹ در قرآن مجید تصریح شده است و " قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا " آیه ۱۳۰ سورة طه در قرآن مجید است.

زمانها هم معین شده است حال می رسیم به تعدادش و اینکه در کدام آیه ها و در کدام سوره ها و چه کلماتی گفته شده است؟ در قرآن مجید وقتی شما بررسی می کنید بیان شده است که " فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿۷۴﴾ " سورة واقعه وقتی شما در نمازتان می گوئید "سبحان ربی العظیم و بحمده" این تکیه گاه قرآنی دارد، " سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿۱﴾ " الا علی - وقتی می گوئیم "سبحان ربی الاعلی و بحمده" این تکیه گاه قرآنی دارد، از قرآن اینها استنباط شده است وقتی در قرآن سوره ها را می خوانیم و دعاها را می خوانیم اینها همه در قرآن نوشته شده است که ما در نماز اجرا می کنیم ، حال می ماند سر اینکه صبح چند رکعت باشد و ظهر و مغرب به همین شکل ... این دستورات تفصیلی بر مبنای اصل حکمی که در خود قرآن است در قرآن گفته شده است " وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۴۵﴾ " در قرآن گفته شده است نماز بخوانید چون خواندن نماز خاصیت دارد و این بیان شده است وقتی این مقوله در قرآن مجید بیان شده است حال شما می گوئید حال من چگونه نماز بخوانم و سپس در اینجا است که رجوع می کنید به اینکه سنت پیغمبر در نماز خواندن چه بوده است و دستور پیغمبر راجع به نماز چه بوده است و حدیث چه می گوید و بعد مسائل دیگر... تا می رسیم به روایات.

اما در قرآن نگفته است رجم بکنید ، و شما بگوئید من حالا می خواهم بروم در روایات و نگاه کنم ببینم چند تا سنگ پرتاب بکنم و سنگ هم باید چگونه باشد این در قرآن گفته نشده است در قرآن گفته شده است که مترقین ، مؤمنین را سنگسار می کردند یعنی سنگسار یکی از قوانین مجازات ضدتوحیدی یکی از قوانین مجازات طاغوتی یکی از قوانین مجازات ضداسلامی بوده است "در قرآن مجید آمده است" پس ما نمی توانیم بگوئیم من بروم و ببینم روایات راجع به نحوه اجرای این قانون مجازات طاغوتی چه می گوید و حالا من باید آن را در این جامعه اسلامی اجرا کنم، این غیرمنطقی است این حرف غلط است و باید دور ریخته شود.

"تمسکوا بالقرآن!!" باید به قرآن متوسل و متمسک شد، در قرآن ما جایی برای مجازات سنگسار نداریم سنگسار نمی تواند در مجموعه قوانین جزای اسلامی جایی داشته باشد به هیچ وجه و به هیچ عنوان.

پس این بخش اول پاسخ ما بود یعنی برمی گردیم به آن آیه مبارکه سوره شریفه مائده " مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ " یعنی اگر یک نفر یک نفر را بکشد نه به عنوان مجازات در مورد کسی که یک نفر را کشته است یا " أَوْ " اینکه به این قصد بکشد " فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ " فساد در زمین برپا کند در مجازات به اسم سنگسار این دو شرط احراز می شود چون کسی که سنگسار می شود کسی را نکشته است ، به جرم اینکه کسی را کشته است او را نمی کشند یک اتهامی به او می بندند که قدرت اثباتش را ندارند چون شرایط احراز جرم برای قاضی نمی تواند احراز شود و این را فقها مانند حضرات آیات عظام ، آیت الله صناعی و آیت الله منتظری فرموده اند ، حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی در این زمان باید این قانون عوض شود و با چیز دیگری جایگزین شود برای اینکه اصلاً قابلیت اجرا ندارد. حال آن کسی که با تمام این ثوابت و مقدماتی که توضیح دادم و با توجه به اینکه حضرت آیت الله شاهرودی گفته اند سنگسار در تمام دادگاههای سراسر کشور متوقف شود باز می آیند و می گویند من بنا به تشخیص خودم می خواهم سنگسار کنم و برای من احراز شده است این دارد چه می کند این دارد جنایت علیه بشریت انجام می دهد چون آن کسی را که سنگسار می کند کسی را نکشته است و این عملی که این قاضی مرتکب می شود سبب و هن اسلام می شود و هن اسلام بالاترین نمونه عالی ترین نمونه از فساد فی الارض است پس این شخص از روی فساد فی الارض این عمل را مرتکب میشود این می شود " فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا " این میشود جنایت علیه بشریت در مکتب قرآن نه در چهارچوب در واقع حقوق امروزی که یک توجیه خاصی در مورد جنایت علیه بشریت دارند من در این چهارچوب صحبت نمی کنم در چهارچوب قرآن سوره مبارکه مائده صحبت می کنم شخصی که چنین حکمی می دهد این شخص می خواهد اسلام را ضایع کند چطور دیوان عالی کشور به عنوان عالی ترین مرجع این حکم را تنفیض می کند یعنی می خواهد تیشه به ریشه اسلام بزند می خواهد بی آبرویی بین المللی برای اسلام بوجود بیاورد می خواهد جهان بگوید که اسلام یک مکتب قرون وسطی که هیچ عصر حجری است که در آن زمان مردم در آن عهد مردم را سنگسار می کردند مجرمین را سنگسار می کردند جانوران را در گودال می انداختند و با سنگ می زدند و بعد دشمنان را می انداختند در گودال و با سنگ می زدند پس فردا شما بیائید یک میدان درست کنید و گلابیاتورها را ببندازید در آن تا همدیگر را شروع کنند به تکه و پاره کردن و شما لذت ببرید چون به تدریج دارد به این شکل عمل می شود باید یک حد و حدودی قائل شد در روم باستان کارهای عجیبی می کردند یعنی آن سزارها و قیصرها و سرکوبگرها و مترفین دیگر نمی دانستند چه بکنند که از زجر کشیدن دیگران لذت ببرند می آمدند و میدانهایی درست می کردند استادیوم های عظیم سربازی درست می کردند و در آن می نشستند و مردم شهر را نیز جمع می کردند به زور می آوردند و می نشانند یک آدمی را می انداختند در آن وسط با شیری تا بجنگد و تکه پاره شود یا دو تا آدم را به جان هم می انداختند تا به قصد مرگ همدیگر را بزنند تا آن آقا لذت ببرد اینها چه ارتباطی به اسلام دارد آیا اگر یک نفر بیاید و یک روایت معمولی درست کند و روایت معمول را سر چوب کند و بگوید یک چنین شیوه ای قبلاً اعمال می شده و حالا نیز باید اعمال شود باید پذیرفته شود و اعمال گردد عصر حجر از این هم بدتر و قبل تر است این قانون گلابیاتورها را روم مال دو هزار سال پیش است ولی قوانین عصر حجر متعلق به صد هزار سال پیش است ما داریم رو به قهقرا می رویم یا رو به توسعه می رویم مسیر تاریخ به کدام سمت است و ما به کدام سمت داریم می رویم ؟

تو چون خود کنی اختر خویش را بد مدار از فلک چشم نیک اختر را

تو داری به دست خودت تیشه به ریشه همه چیز می زنی تو به دست خودت سبب و هن اسلام می شوی ، بعد می گویی دیگران چرا فیلم فتنه درست می کنند این عکس العمل توست تو داری بهانه به دست شخصی می دهی که بیاید و فیلک فتنه درست کند بگوید همه اینها در قرآن نوشته شده است این چه مجازاتی است چه خشونت و چه سرکوبگری است؟

این دشمنی با حقوق بشر تا به کجا باید برود مبنای استدلالتان چیست؟ ما گفتیم حاضریم به بحث بین ما و شما قرآن باشد تا کی ؟ باید چنین وضعیتی باشد؟

ما مخالفت با ضداصول می کنیم، اصولی که بخاطر آن صد و بیست و چهار هزار پیغمبر را فرستاده است اصولی را که خداوند نامش را اسلام گذاشته است اصولی را که خداوند به ابراهیم آموخته و به ابراهیم دستور داده که نام آن مکتب را اسلام گذارد و به پیروان خودش مسلمان گوید ، **وَمَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (٦٧) - آل عمران**

وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أَيْكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ ٧٨ - سوره حج پس این مسیر، مسیری است به درازنای تاریخ این مسیر اسلام در معنای موسع خودش است و اسلام به معنی توحید است ، کجا ابراهیم کسی را سنگسار کرده است کجا عیسی (ع) کسی را سنگسار کرده است در کجا یکی از صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که خداوند فرستاده کسی را سنگسار کرده اند در کدام آیه قرآن ذکر شده که یکی از انبیاء الهی دستور سنگسار کسی را داده باشد بر عکس انبیاء سنگسار شده اند نوح وقتی مردم را دعوت به توحید می کرد مردم می گفتند اگر نروی ما سنگسارت می کنیم به ابراهیم گفتند اگر دست از دعوت توحیدی نکشی می اندازیمت در آتش به مرسلانی که توسط عیسی (ع) به مأموریت فرستاده شده بودند گفتند اگر شما دست از ارتباط با مردم برندارید و آنها را دعوت به توحید نکنید ما شما را سنگسار می کنیم شاگردان حضرت مسیح (ع) وقتی می خواستند بروند در غارها معتکف بشوند پناهنده شوند از چشم مردم خودشان را پنهان کنند می گفتند عقیده خود را ببوشانید چون اگر تقیه نکنید و مردم بفهمند که اعتقاد واقعی قلبی شما چیست می گیرند و سنگسارتان می کنند با وادارتان به توبه از عقیده قلبی خودتان می کنند پس وقتی در سنت صد و بیست و چهار هزار پیغمبر سنگسار جایی ندارد و بر عکس در سنت طاغوتیان و دقتیانوسیان جای دارد شما به چه کسی ارجاع می دهید می خواهید جامعه اسلام و امت اسلام را به دقتیانوس و فرعون و طاغوت ارجاع بدهی به عصر حجر و به قهقرا برگردانی یا به سنت انبیاء برگردانید؟

این سؤال بسیار روشن است شما به چه کسی می خواهید ارجاع دهید ؟ چرا بحث روایت را بهانه می کنی که از اصل مطلب فرار کنی ؟ چرا می خواهید که یک نفر (یک قاضی) که عدالتش احراز نشده و با همان حکمی که می دهد که مبتنی بر لوازم و عوارضی است که و هن اسلام در پی آن است و فیلم فتنه در پی آن است سوء نیتش ثابت شده پس عادل نیست چطور دست این شخص را در چهارچوب قوانینی که درست کرده اید می خواهید بازگردانید؟ تا جان یک آدمی را بگیرد؟ و بر حسب بیان قرآنی جنایت علیه تمام بشریت مرتکب شود ، چرا این عمل را می خواهید انجام دهید ؟ یعنی یک آدم پیش پا افتاده ای که در خیابان راه می رود و به فکر نون شبش است که نمی تواند به اسلام ضربه ای بزند آن کسی که به نام اسلام صحبت می کند اگر رعایت مبادی و موازین حرمت اسلام را نکند او ضربه به اسلام می زند برای اینکه او خطای خودش را به نام اسلام تمام می کند برای اینکه مردم این خطا را از این شخص دیگر نمی بینند از آن مکتب می بینند و تصور می کنند این حکم آن

مکتب است به همین دلیل سنگسار قابلیت اجرا در جوامع توحیدی ندارد سنگسار پرچم جوامع طاغوتی است هر جا که پرچم سنگسار در آنجا بالا باشد تکلیف کار جهان با او روشن است جهان می فهمد که این چگونه جامعه ایست، مهم ادعا نیست وقتی فرعون آمد در برابر موسی قرار گرفت و موسی به او گفت سر تعظیم در برابر پروردگار فرود بیاور گفت مردم من پروردگاری برای شما به غیر از خودم سراغ ندارم و این موسی و برادرش آمده اند دین شما را عوض کنند و این دوتا جادوگرند که می خواهند شما را از سرزمین خودتان بیرون کنند یعنی ادعاهایش زیاد بود خودش را خدا می دانست خودش را همه چیز و صاحب دین حق می دانست و می خواست این حرفها را به مردم بقبولاند و باور داشته باشند ، پس وقتی موسی (ع) از جانب خداوند همراه با برادرش مأمور دعوت و ابلاغ پیام حق شدند فرعون اینگونه با آنها برخورد کرد و ادعا داشت اما حضرت موسی فرمود بیایید یک مناظ و میزانی را در نظر بگیریم وقتی حضرت ابراهیم تشریف آوردند و با جبار زمان خودشان وارد مناظره و گفتگو خواستند بشوند او ادعا می کرد که من برحقم و تو داری حرف بیخود می زنی و می خواهی شلوغی و خرابی به پا کنی و اگر دست از کاری که می کنی نکشی تو را سنگسار می کنم و یا می اندازم در آتش ابراهیم گفت : آخر یک مناطی را بگذاریم یک میزانی را بگذاریم ، چه مناطی ؟ چه میزانی ؟ ابراهیم و موسی می خواستند چه چیزی را به عنوان مناط و میزان بگذارند ؟ ابراهیم گفت : خداوند پیش از اینکه تو دنیا بیایی پیش از اینکه اصلاً زمینی باشد یا نباشد خورشید اینجوری بوده جهان آنطوری بوده اینطور هستی را آفریده ، حال اگر تو خدایی این هستی ای را که خدا آفریده تو یک شکل دیگری به آن بده اگر تو راست می گویی همیشه ما دیده ایم آفتاب از شرق در آمده رفته به غرب این خواست خدا بوده است پیش از اینکه حتی تو بوجود بیایی حال اگر تو راست می گویی و خدای امروز هستی آفتاب را از غرب در بیاور و ببر به شرق اگر نمی توانی این کار را بکنی دیگر ادعای خدایی نکن ، پس او مبهوت شد...

آن کسی که کفر می ورزید در برابر این استدلال قوی مبهوت شد اما دست از اصرارش بر آن خطایی که می کرد برنداشت مبهوت شد ولی تجدید نظر نکرد حال بحث ما در این است ما اینجا یک مناطی بنام اسلام داریم که مناط اسلام قرآن مجید و سنت رسول اکرم و عقل و اجماع است حال بر این چهار پایه وقتی نگاه می کنیم بطور یقین می گوئیم سنگسار در مجموعه قوانین جزای اسلامی جایی نمی تواند داشته باشد در همین زمینه به همین دلیلی که عرض کردم حضرت آیت الله شاهرودی رئیس قوه قضائیه فرموده اند اجرای سنگسار را موقوف کنیم تا بررسی کنیم که اصلاً خودش را هم القاء کنیم حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی گفته اند از نظر ما این قانون باید جایگزین با قوانین دیگر شود بعد سایر علماء هم کمابیش چنانچه گفتیم آیت الله صانعی و آیت الله منتظری نظرشان را گفتند و دیگران هم ..

پس دیگر دنبال بحث روایات نرویم که علم بکنیم بحث روایات نمی تواند تکیه گاه سنگسار باشد عزیزان به این دلایلی که عرض کردم امیدوارم که هر چه زودتر این قانون ضداسلامی و ضد قرآنی و ضدبشری که اجرائش فقط سبب جنایت علیه بشریت و سبب وهن اسلام و سبب فساد فی الارض می شود تعطیل شود و امیدوارم تمامی علاقه مندانی که این برنامه ها را دنبال می کنند با علاقه قلبی همت کنند و با ثبت نام خودشان و با فرستادن امضاء های خودشان به این حرکت عمومی بر علیه اجرای مجازات سنگسار و به نفع القاء این قانون ضدبشری عهد حجری قدم پیش بگذارند و هیچ کوتاهی نکنند و حتماً امضاء خودشان را در پای این طومار عظیم مخالفان با قانون اجرای سنگسار قرار دهند.